

من ایرانی ام آرمانم شهادت



خوش قریحه با طبعی لطیف و ناز کاندیش بود که اشعار زیبا و شورانگیزی سرود. سروده‌های او بر گرفته از مفاهیم اخلاقی، ایثار و شهادت، دفاع و مقاومت، تعلیم و تربیت و آموزه‌های دینی و انقلابی بود و برای همین دستمایه بسیاری از آهنگ‌های انقلابی شد.
youtube.com/@engvidAdam

بخون در کشتی، خاک من، دشمن من
بجو شد، بلند در بلند، گلشن من
تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی
جداسازی از خصم، سر از تن من
کجا می‌توانی، ز قلمم ربایبی
تو عشق میان من و میهن من
من ایرانی ام، آرمانم شهادت
تجلی هستی، جان‌کننده من

مدیریت رادیو را برعهده داشت. کارشکنی‌های زیادی برای تولید سرودها و آهنگ‌ها رخ می‌داد که او در برابر همه آنها سینه سپر کرده بود. او به خوبی می‌دانست این نغمه‌های انقلابی در آن دوران بیشتر از هر چیز دیگری اهمیت دارد و به ماندگاری‌شان در میان مردم ایمان داشت. مرحوم احمدعلی راغب، آهنگساز، در بخشی از خاطراتش می‌نویسد: «مجید حداد عادل خیلی در جمع کردن گروه‌های موسیقی تلاش کرد. یادم هست او می‌گفت در خانه مانگار عزازانه به پا شده، اعضای خانواده به من می‌گویند تو رفتی رئیس مطرب‌ها شدی، می‌فهمیدم که مجید در خانه تحت فشار است.» سرود من ایرانی ام آرمانم شهادت نیز با حمایت‌های شهید حدادعادل جان گرفت. اما نباید از متن شعر قوی و حماسی مرحومه سپیده کاشانی که به بانوی شعر انقلاب شهره بودند نیز غافل شد. سرور اعظم باکوچی، متخلص به سپیده کاشانی، شاعری

خواننده: محمد گلریز	
آهنگساز: محمدعلی کیانی نژاد	
شاعر: سپیده کاشانی	
محل ضبط و اجرا: مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، خیابان استاد نجات‌اللهی	

شعر «من ایرانی ام، آرمانم شهادت» توسط بانوی شعر انقلاب، مرحومه سپیده کاشانی، سروده شد؛ سرودی که تا سال‌ها زمزمه مردم کوچه و خیابان بود و همه با غرور و صلابت خاصی آن را می‌خواندند. محمد گلریز، خواننده این سرود، که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران ضبط شد می‌گوید: «در پس همه سرودها و نواهای آن روزها مردان و زنانی تلاش کرده‌اند که کمتر نامی از آنها برده شده است. مردانی همچون شهید مجید حدادعادل که در زمان ضبط این سرود و بسیاری از سرودهای دیگر پای کار می‌ایستاد و حمایت می‌کرد.»

در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۷، بعد از پاکسازی در صداوسیما و پیروزی بچه‌های انقلابی، رادیو وضعیت پریشانی داشت. همه جا تخریب شده بود. امکانات وجود نداشت و کار برای ضبط سرود و آهنگ به سختی انجام می‌شد. شهید مجید حدادعادل آن روزها

شهید، راه تو افتخار



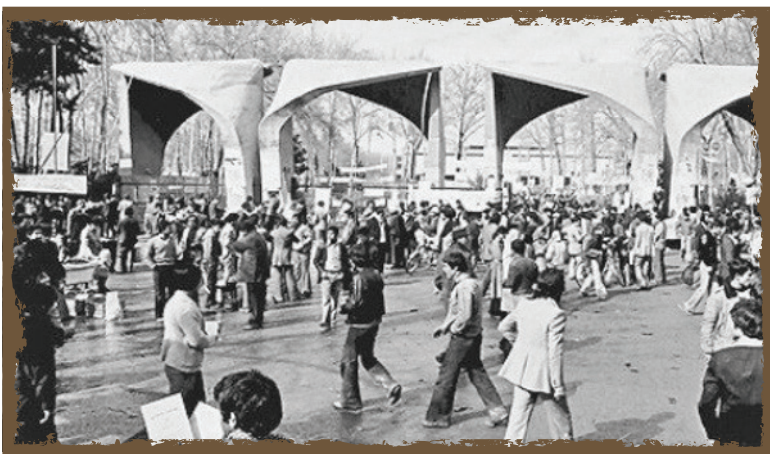
خواننده: شهرام ناظری	
آهنگساز: حسین علیزاده	
شاعر: امیر مرعشی	
محل ضبط و اجرا: محله فردوسی	

سال ۱۳۵۷ را در واقع باید سال پخش و ضبط سرودها و اشعار زیرزمینی ممنوعه دانست؛ تقریباً هر شاعر و هنرمندی سعی می‌کرد برای ایجاد انگیزه و روحیه میان مردم انقلابی هر چه در چنته دارد در سید اخلاص تقدیم انقلاب کند. سرود «شهید راه تو افتخار» از سرودهای حماسی روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بود. این سرود یکی از شاهکارهای زیبای «حسین علیزاده» با صدای استاد شهرام ناظری در بحبوحه روزهای داغ انقلابی حسابی سر و صدا کرد و به نحوی که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مردم در کوچه و خیابان این سرود را برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا دائم زمزمه می‌کردند. در آهنگسازی این سرود حسین علیزاده به خوبی توانست با ساده‌ترین الگوی ریتمیک و ملودیک فضای سالم شور هیجانی برای ذهن مخاطب فراهم کند به نحوی که با شنیدن سرود، روحیه شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی در وجودش زنده شود. حسین علیزاده از جمله هنرمندانی است که در پی اعتراض جمعی شاعران و آهنگسازان از رادیو استعفا کرد و با تشکیل گروه، این سرود زیبا را خلق کرد. محل دقیق ضبط این سرود مشخص نیست، اما برخی تأکید دارند این سرود در خانه هوشنگ ابتهاج در محله فردوسی ضبط شده است.



شهید شهید شهید
راه تو افتخار
نام تو ماندگار
ای غمت جاودان
عزتت پایدار
مرگ سرخت خروش روزگار
ای غمت در دل عاشقان
خون تو در جهان می‌کند گل‌فشان
هر بهار هر بهار
شهید شهید شهید

یار دبستانی من



خواننده: جمشید جم	
آهنگساز: منصور تهرانی	
شاعر: منصور تهرانی	
محل ضبط و اجرا: استودیو صبا تهران (خیابان فلسطین)	

جمشید جم درباره ماجرای جالب پخش این سرود از سوسی رسانه‌ها و حتی بلندگوی دستفروش‌ها و فروشندگان دوره گرد می‌گوید: «روزی از چهارراه ولی عصر (عج) گذر می‌کردم. خودم شنیدم که کاسبان، آهنگ یار دبستانی من را با صدای بلند پخش می‌کنند. حسابی هیجان زده شده بودم از اینکه این سرود چقدر میان مردم گل کرده و دوست داشتم همانجا فریاد بزنم که خواننده این سرود منم...»

یار دبستانی من
با من و همراه منی
چوب الف بر سر ما
بغض من و آه منی
حک شده اسم من و تو
رو تن این تخته‌سیاه
ترکه بیداد و ستم
مونده هنوز رو تن ما

در جریان واقعه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در اعتراض به سفر «ریچارد نیکسون» معاون رئیس جمهوری آمریکا که چند ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد به تهران سفر داشت به شهادت رسیدند. علاقه زیادی به قصه این سه شهید داشتیم و زمانی هم که در حسینیه ارشاد نزد استاد شریعتی شاگردی می‌کردم درباره آنها پرس و جو کردم. او ماجرا را برای من توضیح داد و گفت این شهیدان چریک چه نبودند، بلکه سه شهید مسلمان و شیعه هستند که با رشادت در مقابل ظلم و استکبار ایستادند. از همانجا دوست داشتم کاری برای مقابله با ظلم و استکبارستیزی انجام دهم که ماندگار باشد. با توجه به وقایع انقلاب، همراه دوستان و نوازندگان انقلابی به فکر ضبط یک سرود انقلابی افتادیم که نوع ساز، ریتم و آهنگ حسابی مشورت و تبادل نظر کردیم تا در نهایت سرود یار دبستانی من در استودیو صبا تهران در آذرماه سال ۱۳۵۷ برای نخستین بار اجرا و ضبط شد.»

۴۵ سال از زمان نخستین اجرای سرود حماسی و پرماجرایی «یار دبستانی من» گذشته است. ترانه‌سرای این سرود منصور تهرانی بود. ماجرای ساخت این سرود و تمایل خواننده‌اش به خواندن این قطعه حکایت جالبی دارد. هر چه مبارزات مردمی قوت بیشتری می‌گرفت، وقایعی مثل ماجرای اعتصاب سراسری دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ و سایر اعتصابات رخ می‌داد و سرکوب این مخالفت‌ها به اوج خود می‌رسید، هنرمندان برای تشویق مردم به ادامه راه و فعالیت‌های مبارزاتی، بیشتر به تولید شعر و ترانه و سرودهای حماسی روی می‌آوردند. به همین دلیل منصور تهرانی پیشنهاد خواندن این شعر را به جمشید جم داد.

جمشید جم که از جوانان انقلابی و پهای ثابت مبارزات مردمی بود درباره سرودن شعر یار دبستانی من می‌گوید: «در سال ۱۳۳۲ سه یار دبستانی به نام‌های «مهدی شریعت رضوی»، «احمد قندچی» و «مصطفی بزرگ‌نیا» در دانشگاه داشتیم. این سه یار